

## منافع استراتژیک ترکیه در قفقاز\*

نویسنده: اسکات آ. جونز

مترجم: سیدسعادت حسینی دمایی

### چکیده

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه در رقابت با روسیه و ایران به دنبال نفوذ در منطقه قفقاز به خصوص آذربایجان بوده است. جنگ بین آذربایجان و ارمنستان، تضاد بین ترکیه و روسیه و ترکیه با ایران و نیز نامناسب بودن وضعیت اقتصادی این کشور از مهمترین مشکلات استراتژیکی این کشور جهت نفوذ در منطقه می باشند. در حال حاضر ترکیه به دنبال آن نیست که جانشین روسیه در منطقه شود بلکه علاقه ترکیه در حال حاضر به گسترش روابط اقتصادی فرهنگی و علمی با این دولتهاست. اولویتهای اعلام شده ترکیه در منطقه قفقاز به تقویت استقلال، توسعه روابط بر مبنای برابری و کنار گذاشتن رویکرد احساساتی اوایل دهه ۱۹۹۰ برمی گردد.



### مقدمه

«به اعتقاد بسیاری از ناظران، اوراسیا که از غرب اروپا تا غرب چین امتداد دارد، صحنه اصلی هزاره آینده خواهد بود. نظام سیاسی بعد از جنگ سرد، شاهد ظهور دوباره چندین دولت مستقل بود. تقریباً همه این دولت‌های "جدید"، در بالکان، قفقاز، یا در آسیای مرکزی - دولتهایی هستند که از لحاظ تاریخی، ابعاد تاریخی، مذهبی یا زبانی با کشور ترکیه اشتراکاتی دارند. در نتیجه، ترکیه در یک محیط بین‌المللی جدید با ابعاد تاریخی و فرهنگی قرار گرفته

\* Scott A. Jones, "Turkish Strategic Interests in the Transcaucasus", *Security and Foreign Policy in the Caucasus and Central Asia*, Scott A. Jones (ed), (London : Routledge, 2000), pp.48-59.

است. این تغییر استراتژیکی با نوعی آگاهی جدید در ترکیه ارتباط دارد. نقش تاریخ مشترک و ویژگیهای فرهنگی متشابه در تمامی حوزه‌های سیاست خارجی به خوبی مشخص است.<sup>\*</sup>

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، و تأخیر جدی عضویت در اتحادیه اروپا، بعضی از تحلیلگران با ارائه دلایلی چنین نتیجه گرفتند که ترکیه به دنبال کسب استقلال بیشتر و برتری در منطقه است، و در این راستا به منظور دستیابی به حوزه‌های نفوذ در دولتهای تازه به استقلال رسیده تُرک زبان، با روسیه و ایران رقابت می‌کند. افزایش مداخله ترکیه در منطقه جنوب (ماورای قفقاز و آسیای مرکزی) را می‌توان مکمل اهداف غرب در منطقه دانست، به گونه‌ای که ترکیه آتاتورک مآب می‌تواند الگوی توسعه برای جمهوریهای تُرک زبان شوروی سابق باشد.

اما تا اواخر سال ۱۹۹۶، بسیاری از این تحلیلگران ادعا می‌کردند که روسیه در مناطق "خارج نزدیک"<sup>(۱)</sup> از موضعی برتر برخوردار است، و ترکیه به دلیل ضعف اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، نمی‌تواند نقشی کلیدی در منطقه ایفاء کند. همچنین به نظر می‌رسید سیاست ترکیه در قبال آذربایجان، که از نظر جغرافیایی استراتژیک‌ترین دولت تازه به استقلال رسیده محسوب می‌شود، نتوانسته است ترکیه را از نظر نفوذ سیاسی مستقیم و امتیازات اقتصادی تأمین کند. برای مثال ترکیه حتی در دوره ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی‌بیک (۹۳-۱۹۹۲)، در آذربایجان که به ترکیه متمایل بود، نتوانست در آن کشور حضوری ثابت و دائمی داشته باشد.

علی‌رغم طرح‌های اولیه ترکیه برای مداخله هر چه بیشتر در جمهوریهای تُرک زبان اتحاد شوروی سابق و به طور اعم و ماورای قفقاز به طور اخص، سیاستهای آنکارا در قبال ماورای قفقاز بسیار ناپیوسته و نامنسجم بوده است. با توجه به پیچیدگیهای ژئوپلیتیک منطقه، واکنش نسبتاً حساب شده ترکیه واقع‌بینانه، و از طرفی تحت تأثیر بعضی شرایط بوده است. اولاً، جمهوریهای قفقاز تنها به مدت هشت سال استقلال داشته‌اند، لذا فرصت چندانی برای به کمال رساندن سیاستها وجود نداشت، چه برسد به این که حکومتی در آن جمهوریها تشکیل شود. علاوه بر این، رویدادهای سیاسی و اقتصادی داخلی، که نوع سیاستهای ترکیه در قبال دولتهای تازه استقلال یافته را مستقیماً تحت تأثیر قرار داده است و میراث بزرگ منطقه روسیه شوروی، عواملی هستند که مانع تحقق فوری سیاستهایی می‌شوند که خود تابع همان فرآیندهای مصالحه بعد از جنگ سرد هستند. ثانیاً، با کمال تعجب می‌بینیم که سیاست ترکیه

\* عبارت بالا از گفته‌های اسماعیل جم وزیر خارجه ترکیه است.

در قبال قفقاز تغییر کرد. مهمتر آنکه، علی‌رغم ادعاهای آنکارا، سیاست سنجیده و موزون ترکیه در ماورای قفقاز، به سمت خصومت مستقیم با روسیه و ایران سوق یافته است. در این مقاله به بررسی سیاست آنکارا در قبال جمهوریهای ماورای قفقاز به طور اعم و آذربایجان به طور اخص می‌پردازیم و به این مسئله نیز توجه داریم که ابتکارات ترکیه در قبال قضیه آذربایجان در سال ۱۹۹۱ آغاز شد، و اهداف ترکیه در منطقه چندان زیاد نبودند. در مورد روابط ترکیه - آذربایجان، باید گفت که آنکارا به لحاظ دسترسی به منابع نفت خام و دسترسی به آسیای مرکزی، آذربایجان را استراتژیک‌ترین کشور ترک زبان می‌داند. از سال ۱۹۹۱، سیاست ترکیه در قبال آذربایجان شامل بعضی اهداف بوده است، از جمله: تضمین استقلال آذربایجان، تشکیل یک دولت در باکو، تضمین حاکمیت آذربایجان بر ناگورنو - قره‌باغ، محدود کردن حضور روسیه در ماورای قفقاز، مشارکت در تولید نفت خام آذربایجان و صدور بخش قابل توجهی از نفت آذربایجان از طریق سرزمین ترکیه.

#### دستیابی ترکیه به اهداف منطقه‌ای

در مورد سیاست منطقه‌ای آنکارا بویژه سیاستهای منطقه‌ای ترکیه در برابر آذربایجان باید گفت که آنکارا برای رسیدن به اهداف فوق‌عمدتاً به دنبال آن بود که نگرانیهای روسیه از توسعه‌طلبی ترکیه را برطرف کند، اما در عین حال سیاستهایی را دنبال می‌کرد تا حضور خود را جدی‌تر از گذشته ادامه دهد. آنکارا معتقد است که شرط لازم برای داشتن سیاست منطقه‌ای موفق، دستیابی به آذربایجان است؛ اما در هر صورت باید گفت که آذربایجان آینه ماهیت متفاوت منافع منطقه‌ای ترکیه و روسیه است. به عبارت دقیق‌تر، روسیه خواهان تشکیل یک دولت طرفدار مسکو در باکو است، به طوری که پایگاههای نظامی خود را در اختیار روسیه قرار دهد، و نیروهای روسیه را به عنوان نیروهای حافظ صلح در قره‌باغ بپذیرد. صورت مطلوب قضیه آن است که اگر روسیه به تنهایی به مسیری برای صادرات نفتی آذربایجان تبدیل شود و آذربایجان را وادار به پذیرش مشارکت روسیه در تولید نفت ساحلی آذربایجان در دریای مازندران کند، در این صورت می‌تواند وابستگی آذربایجان را به روسیه افزایش دهد. علاوه بر آن، روسیه آشکارا و به آشکال گوناگون، نگرانیهای خود را از حضور ترکیه در منطقه جنوبی ابراز کرد، چراکه این منطقه از نظر مسکو منحصراً در مدار استراتژیک مسکو واقع شده است.

ترکیه در سیاست منطقه‌ای خود ضمن توجه به حساسیت‌های روسیه، به دنبال برقراری روابط باثبات با ارمنستان و گرجستان است. اما دخالت ارمنستان در یک جنگ اعلام نشده با

آذربایجان بر سر ناگورنو - قره‌باغ، اشغال تقریباً ۲۰ درصد از سرزمین آذربایجان توسط ارمنی‌های قره‌باغ، و حضور یک نیروی شبیه نظامی ارمنی در این نقطه روابط بین ترکیه و ارمنستان را بسیار تیره کرده است. علاوه بر این، تازمانی که ارمنستان به طور غیر رسمی سرزمین آذربایجان را در اشغال خود داشته باشد، آنکارا از عادی شدن روابط با این کشور خودداری می‌ورزد.

برای مثال، ترکیه در واکنش به اشغال ناگورنو - قره‌باغ توسط نیروهای نژادپرست ارمنستان و محاصره سرزمین آذربایجان، مرز خود را بروی ارمنستان بست. ایروان - بویژه در دولت کنونی کوچاریان - به دلیل خودداری ترکیه از پذیرش مسئولیت قتل عام جمعیت ارمنی در آناتولی شرقی توسط ارتش عثمانی در سال ۱۹۱۵، عادی شدن روابط با این کشور را امری دشوار می‌داند. همچنین روابط بین آنکارا و ایروان به خاطر همکاری نظامی میان روسیه و ارمنستان تیره شده است. برای مثال، آناتولی کورنوکوف، فرمانده نیروی هوایی روسیه گفت که علاوه بر هواپیماهای میگ ۲۹ که در دسامبر گذشته در ارمنستان مستقر شدند، روسیه تحویل قطعات یک سیستم دفاع هوایی زنیث<sup>(۱)</sup> اس - ۲۰۰ به پایگاه نظامی گیومری خود در ارمنستان را آغاز کرده است. آنکارا و باکو معتقدند که اینگونه انتقالات، اساساً توازن قدرت منطقه‌ای را بتدریج ضعیف می‌کنند. ضمناً کورنوکوف اولین مقام روسی است که استقرار هواپیماهای اس ۳۰۰۰ در ارمنستان را تأیید کرده است.

روابط ترکیه - گرجستان از هر نظر مثبت بوده است. در سال ۱۹۹۴، هنگامی که معلوم شد مناسب‌ترین مسیر برای صادرات نفت آذربایجان از طریق گرجستان است، بلافاصله آنکارا سیاست مسامحه خود را تغییر داد. از این رو، تاهمین اواخر، روابط اقتصادی و سیاسی آنکارا در پایین‌ترین سطح قرار داشت. گرجستان ناگزیر به مقابله با شورشیان جدایی‌طلبی برخاست. این شورشها از اواخر سال ۱۹۹۰ در استیای جنوبی و از ژوئیه ۱۹۹۲ در آبخازیا آغاز شد.

گرجستان نتوانست این مناقشات را کنترل کند، لذا برای جلوگیری از تجزیه کشور به روسیه متوسل شد. در ژوئن ۱۹۹۲، بوریس یلتسین رئیس جمهوری وقت روسیه برای برقراری آتش‌بس در اوستیای جنوبی میانجی‌گری کرد، و از آن پس یک نیروی عمدتاً روسی وابسته به جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با حمایت سازمان امنیت و همکاری اروپا<sup>(۲)</sup> در آنجا مستقر گردید.

از ژوئن سال ۱۹۹۴، پس از آن که سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری اروپا، و روسیه اقدام به تحمیل یک موافقتنامه آتش‌بس کردند، بین ۱/۵۰۰ تا ۲/۵۰۰ نیروی روسی در

1- Zenith.

2- OSCE

آبخازیا مستقر گردیدند. زویاد گامساخوردیا و ادوارد شواردنادزه رؤسای جمهور گرجستان پس از دوره استقلال به اشکال گوناگون روسیه را متهم به ادامه این مناقشات کرده‌اند، و مدعی شدند که روسیه مناقشات منطقه را به گونه‌ای کنترل می‌کند که حضور نظامی خود در گرجستان و نفوذ در سیاست‌های این کشور را توجیه کند. با وجود این، در زمان دولت شواردنادزه، گرجستان تلاش کرد خود را از نفوذ روسیه رها کرده، و سطح روابط خود را با آنکارا افزایش دهد.

گرجستان در سال ۱۹۹۴ به برنامه ناتو موسوم به مشارکت برای صلح، پیوست. سپس در ژوئن سال ۱۹۹۷ اولین موافقتنامه همکاری دفاعی خود را با ترکیه منعقد کرد به موجب آن آنکارا آموزش افسران گرجی را متعهد شد. علاوه بر این از زمانی که داویت توزادزه<sup>(۱)</sup>، فارغ‌التحصیل دانشگاه وست پوینت آمریکا جانشین واریکو نادیبایزده در وزارت دفاع گردید، همکاریهای دفاعی دو جانبه با ایالات متحده و ترکیه افزایش یافت. با وجود این، همکاری نظامی تنها یک بُعد از چیزی است که شواردنادزه رئیس جمهور گرجستان در فوریه ۱۹۹۹ در بازدید خود از ترکیه از آن به عنوان "همکاری استراتژیک" بین دو کشور نام برد. رکن مهم این همکاری طرح دالان انرژی شرق-غرب بود که از گرجستان می‌گذشت و از حمایت‌های ایالات متحده نیز برخوردار است، و مشابه آن برنامه ایجاد شبکه راه‌آهن، جاده و ایستگاههای فرعی مرسوم به برنامه تراسیکا<sup>(۲)</sup> است که مورد حمایت اتحادیه اروپا است و آسیای مرکزی را به ترکیه و اروپا متصل می‌کند. اما شواردنادزه که از آسیب‌پذیری تفلیس در برابر نفوذ روسیه بخوبی آگاهی داشت، اضافه کرد که هدف از "همکاری استراتژیک" این نیست که به کشور ثالث آسیب وارد گردد. آنکارا و تفلیس به حفظ ثبات سیاسی داخلی و حفظ ثبات در سراسر جنوب قفقاز، به عنوان پیش شرطی برای رونق اقتصادی علاقه‌مند هستند. برخلاف آذربایجان، که مرز مشترک آن با ترکیه ۱۰ کیلومتر امتداد دارد، طول مرز مشترک گرجستان و روسیه ۱۱۴ کیلومتر است. مرز گرجستان - ترکیه و شبکه در حال گسترش حمل و نقل نه تنها همکاری نظامی بلکه همکاریهای اقتصادی را آسان کرده است. علاوه بر این، ترکیه به عنوان شریک تجاری اصلی گرجستان جایگزین روسیه شده است. نقشی که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در منطقه جنوبی برای ترکیه پیش‌بینی شده بود، همواره با افراط همراه بود. زمانی آنکارا به عنوان مناسب‌ترین قدرت منطقه‌ای مطرح بود و گمان بر این بود که در بین ایالت‌های سابق عثمانی بیشترین قدرت را داراست، اما طولی نکشید که رؤیاهای اولیه آنکارا جای خود را به واقعیت‌های پیچیده قفقاز و

1- Davit Tevzadze.

2- Traceca.

محدودیت‌های داخلی آن داد. در تحلیل نهائی، علی‌رغم شعارهای پان‌ترکیزم، روابط آنکارا با دولتهای ماوراء قفقاز عمدتاً بر اهداف اقتصادی ترکیه مبتنی بود. این اهداف عبارت بودند از: ایجاد و گسترش بازارهایی برای کالاها و خدمات ترکیه و تضمین منابع انرژی در منطقه جنوب. با وجود این، عوامل بسیاری هستند که مانع از تحقق این اهداف منطقه‌ای می‌شوند.

### عوامل مؤثر بر سیاستهای منطقه‌ای ترکیه

علاوه بر جنگ بین ارمنستان و آذربایجان بر سر ناگورنو- قره‌باغ، نوعی تضاد آرام اما در عین حال جدی بین ترکیه و روسیه وجود دارد. بدینگونه که ترکیه قصد دارد در منطقه جنوب، و به عبارت دقیق‌تر، در ماوراء قفقاز یک منطقه نفوذ ایجاد کند و از طرف دیگر روسیه نیز تصمیم دارد در مناطق سنتی تحت نفوذ خود باقی بماند. با فروپاشی اتحاد شوروی، قدرتهای غربی، ترکیه را الگوی توسعه برای جمهوریهای مسلمان‌نشین معرفی کردند چراکه ترکیه سکولار، دموکراتیک و دارای اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد بود. در همین راستا، سیاست منطقه‌ای ترکیه از حمایت‌های آشکار ایالات متحده برخوردار بوده‌است. دولتهای بوش و کلینتون به منظور محدود کردن توسعه‌طلبی روسیه و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه جنوب، آشکارا ترکیه را تشویق کردند تا خود را به عنوان الگوی غربی مآب سازی برای جمهوریهای شوروی سابق معرفی کند.

موقعیت جغرافیایی ترکیه - پیرامون یک شبکه حیاتی که آسیا، خاورمیانه، و اروپا را به یکدیگر پیوند می‌دهد - مانع از تمرکز بیش از اندازه در یکی از طرفین می‌شود تا مبادا ترکیه نفوذ خود را در طرف دیگر از دست بدهد. از آنجا که ترکیه در بالکان، دریای اژه، و خاورمیانه فعال است و از دیرباز با شورش داخلی کردها نیز روبرو است، لذا نمی‌تواند از مداخله استراتژیک در آن مناطق خودداری کرده و فعالیت‌های خود را منحصرأ در ماوراء قفقاز متمرکز کند.

از آنجائیکه ترکیه در این چهار منطقه ادعای حضور دارد، لذا روابطش با دولتهای منطقه‌ای در بسیاری از موارد تیره و گاه آشکارا خصمانه بوده‌است. در سال ۱۹۹۳، حکمت چتین، وزیر خارجه ترکیه اظهار داشت: «از آنجا که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ترکیه چنان است که این کشور در همسایگی بی‌ثبات‌ترین، نامطمئن‌ترین و پیش‌بینی ناپذیرترین منطقه جهان قرار گرفته است، لذا ترکیه تبدیل به یک دولت خط مقدم شده و با جبهه‌های مختلف روبرو شده‌است. در این مناطق امکان آن که بحرانها و مناقشات گسترش یابد و ترکیه را در برگیرد همواره وجود دارد».

علاوه بر این، عوامل اقتصادی داخلی نیز بر سیاستهای منطقه‌ای ترکیه و توانایی آن در ایفای نقش یک الگو در ایالات جنوبی شوروی سابق تأثیرگذار هستند. در ژوئیه ۱۹۹۳، نرخ

تورم سالانه ترکیه ۷۳ درصد بود، و بودجه دولتی این کشور در حد و ظرفیت آن عمل می‌کند. همچنین منابع اصلی ترکیه به طور جدی در سد عظیم آتاتورک، طرح هیدروالکتریک و برنامه اساسی نوین‌سازی نظامی فعالیت دارند. به علاوه، ۳۰ درصد از بودجه نظامی این کشور صرف مهارگردها می‌شود، چراکه ظاهراً فشار آنها هر لحظه در حال افزایش است. بنابه گفته صندوق بین‌المللی پول، از سال ۱۹۹۵ اقتصاد ترکیه به میزان ۸-۷ درصد رشد داشته، و نرخ سالانه تورم ۸۹-۸۲ درصد بوده است. در سال ۱۹۹۷، تولید ناخالص داخلی ترکیه ۷/۱ درصد رشد داشت. نرخ بالای تورم همواره یکی از مشکلات جدی برای ترکیه به شمار می‌آید، هر چند این رقم زیر سطوح سه رقمی است که ترکیه در اوایل دهه جاری شاهد آن بود. در حالی که نرخ بدهکاریهای خارجی ترکیه در سطحی بالاست، و سیستم جمع‌آوری مالیات آن فاقد کارایی لازم است، برنامه خصوصی سازی در این کشور نیز از اهداف مورد نظر بسیار عقب افتاده است.

طبق برآوردها، تحریم سازمان ملل متحد بر عراق ۳۰ تا ۶۰ میلیارد دلار هزینه داشته است که این مبلغ برحسب شکست‌های تجاری و فرصت‌های تجاری از دست رفته تا سال ۱۹۹۷ محاسبه شده است. قبل از تحریم سازمان متحد، عراق بزرگترین منبع نفتی ترکیه بود، و تقریباً روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت را برای پالایشگاههای ترکیه تأمین می‌کرد. همچنین عراق از سیستم خط لوله دوگانه واقع در میدان‌های شمال کرکوک با ظرفیت ۱/۶ میلیون بشکه در روز، برای صادر کردن نفت به بندر جیحان در ترکیه استفاده می‌کرد، اما این خط لوله در اوت ۱۹۹۰ به دنبال حمله عراق به کویت بسته شد.

عامل دیگری که بر استراتژی منطقه‌ای ترکیه تأثیرگذار می‌باشد سیاست دفاعی این کشور است. ترکیه در حال نوسازی دفاعی بلند مدت در مقیاس وسیع است. جایگاه عالی ارتش در سیاستگذاری و جامعه، تأثیر طوفان صحرا، خشونت در کردستان و ماوراء قفقاز، به عنوان دلایلی در توجیه این برنامه ارائه شده‌اند. هدف از این برنامه تشکیل نیروهای مدرن برای تضمین امنیت ترکیه و دستیابی به خودکفایی در تولید نظامی است. همچنین ترکیه به منظور مقابله با تهدید گسترش تسلیحات از سوی همسایگان، در حال بازسازی سیستم دفاع موشکی خود است. این برنامه در نهایت ۱۲ میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت که در مقایسه با برآوردهای اولیه ۲۰ درصد افزایش دارد.

نرخ تورم ترکیه، نوین‌سازی نظامی و هزینه‌های اجتماعی - اقتصادی شورش کردستان، همه بیانگر یک دستور کار داخلی گسترده و ناتمام است که ترکیه را از نظر مالی و اقتصادی در ایفای نقش رهبری یا نقش مقتدر در منطقه جنوب محدود می‌کند. همچنین، این محدودیتها

گویای اهمیت بالای اهداف اقتصادی در فعالیتهای استراتژیک خارجی ترکیه، بویژه در ماوراء قفقاز است. علاوه بر این، اولویت اول ارتش ترکیه مقابله با تهدید کردها علیه تمامیت ارضی این کشور است. در مقابل "ماجراجویی" خارجی، دکترین کمالیست تقریباً احتمال فعالیت نظامی از سوی آذربایجان را منتفی می‌داند. این موقعیت نه فقط بیانگر یک سیاست نظامی درون‌نگر است که فعالیت خارجی را نفی می‌کند، بلکه حتی محدودیتهایی را که برنامه نوین‌سازی اقتصادی و نظامی ترکیه بر تواناییهای جنگی ترکیه تحمیل می‌کند را نیز نشان می‌دهد.

این عوامل مشکلات استراتژیک ترکیه را نشان می‌دهند. بعد از فروپاشی شوروی خلاء استراتژیک در ماوراء قفقاز، فرصتی را برای ترکیه ایجاد کرد تا به تقویت منافع منطقه‌ای خود بپردازد. اما شرایط اقتصاد داخلی به گونه‌ای است که ترکیه توان پیشبرد یک سیاست منطقه‌ای فعال را ندارد. آنکارا نمی‌تواند این حقیقت را نادیده بگیرد که تلاش برای ایفای این نقش، ناگزیر تنش با ایران و روسیه را افزایش خواهد داد، و ممکن است به چالشهای نظامی غیر منتظره و ناخواسته‌ای بیانجامد. مداخله و حمایت از آذربایجان نمونه‌ای از این چالش احتمالی است. در حقیقت، هدف اصلی ترکیه در سراسر منطقه جنوبی، ظاهراً دستیابی به بازارهای اقتصادی، بویژه در بخش انرژی است تا به سطحی برسد که بتواند بر مبنای یک اقتصاد داخلی شکوفا نقش مهمی در خارج از کشور ایفاء کند. ترکیه برای حفظ منابع انرژی خود در مقابل خطر قطع شدن خطوط لوله نفت از سوی ایران، عراق، یا روسیه، به دنبال خط لوله‌ای دائمی است تا از طریق آذربایجان و دریای مازندران با قزاقستان و آسیای مرکزی ارتباط برقرار کند. یکی از اهداف استراتژیک و مهم ترکیه، دستیابی به موقعیتی برجسته در حمل و نقل، اگر نگوئیم، اکتشاف، استخراج، و پالایش نفت و گاز آذربایجان و آسیای مرکزی به غرب است. دستیابی به این اهداف، ترکیه را به واسطه اصلی در تجارب فوق‌العاده سودآور انرژی شرق - غرب تبدیل کرده، و ثروت بادآورده هنگفتی را برای این کشور به ارمغان خواهد آورد.

### **ناگورنو - قره‌باغ : آزمایش سیاستهای ترکیه در قفقاز**

متغیری که بیشترین تأثیر را بر دامنه سیاست آنکارا در قبال قفقاز به طور اعم و سیاست آذربایجان به طور اخص دارد، ناگورنو - قره‌باغ است. در سال ۱۹۹۱، ترکیه سیاست بیطرفی را اعلام، و خود را میانجی‌ای بیطرف در بین طرفین معرفی کرد. اگر چه از همان آغاز ارمنستان از مداخله ترکیه آگاه بود، اما بلافاصله اقدامات آنکارا را محکوم نکرد. بعدها، دیپلماتهای ترکیه چندین مرتبه برای میانجی‌گری به منطقه و پایتختهای کشورهای اروپایی مسافرت کردند، و توانستند این موضوع را در دستور کار سازمان امنیت و همکاری اروپا قرار



دهند. سپس دمیرل نخست وزیر وقت ترکیه به دفاع از سیاست محتاطانه خود پرداخت، و ادعا کرد که هیچ مبنای حقوقی برای مداخله ترکیه وجود ندارد، و در هر صورت آذربایجانها هرگز خواهان چنین کمکی نیستند.

اما حوادث پیرامونی مؤثر در روند تشدید مناقشه، دور اول میانجی‌گری بیطرفانه را با مشکل مواجه کرد. پس از قتل عام غیرنظامیان آذری در شهر خوجالی قره‌باغ در اواخر فوریه ۱۹۹۲، راهپیمائیهای گسترده‌ای بر علیه ارمنستان در ترکیه برگزار شد، و صدها هزار نفر به طرفداری از مداخله آذربایجان به تظاهرات پرداختند. دولت متوجه شد که نمی‌تواند خواسته مردم را نادیده بگیرد. اوزال، نخست‌وزیر وقت ترکیه، در مناسبتهای مختلف اعلام کرد که ارمنی‌ها را باید "کمی ترسانند"؛ جملاتی از این قبیل موجب ترس و وحشت در میان ارمنی‌های ارمنستان و جامعه آوارگان یهود شد، و باعث گردید آنها تصور کنند که ترکیه در حال برنامه‌ریزی نسل‌کشی جدید در مورد ارمنی‌هاست. در هر صورت، با شدت گرفتن پیشروی نظامی ارمنستان در سرزمین آذربایجان، بلافاصله ترکیه موضع خود را کمی به طرفداری از آذربایجان تغییر داد.

کشمکشهای سیاسی داخلی تلاش اولیه آنکارا برای اتخاذ یک سیاست بیطرفانه در قبال قره‌باغ را دشوارتر کرد. انتقاد تمامی احزاب سیاسی این بود که "برادران آذری" ما را قتل عام می‌کنند نباید ساکت ماند. مهمترین منتقد حکومت، آلب‌ارسلان تورکس، رهبر حزب جنبش ملی‌گرایان بود که از همان آغاز از مداخله نظامی ترکیه در جنگ حمایت کرد، و اعلام کرد که ترکیه «نباید در قبال اشغال سرزمین آذربایجان سکوت کند». بولنت اجویت، نخست‌وزیر و رهبر حزب چپ دموکراتیک، قبلاً گفته بود که عدم حمایت ترکیه از آذربایجان ممکن است از اعتبار ترکیه در آنجا و در آسیای مرکزی بکاهد. شاید مهمترین انتقاد از دولت از سوی مسعود ایلماز رهبر مخالفین و رهبر حزب مام میهن بود که خواستار استقرار سربازان در طول مرز ارمنستان شد، و متذکر گردید که ترکیه در ناگورنو - قره‌باغ جایگاه یک ضامن را دارد. بعدها در موقعیتهای مختلف، او اعلام کرد که ترکیه باید نیروهای خود را در نزدیکی مرز ارمنستان و نخجوان مستقر کرده، و به این وسیله نشان دهد که بارفتار ارمنستان به طور جدی مخالف است. دولت که از موضع بیطرفانه اولیه خود در خصوص قره‌باغ منصرف شده بود، سرانجام به طور علنی از آذربایجان حمایت کرد. برای مثال، ترکیه آذربایجان را در تحریم اقتصادی ارمنستان یاری کرد، و اجازه نداد کمک‌های مالی از طریق ترکیه وارد ارمنستان گردد.

با وجود این، آنکارا همواره از اتخاذ موضعی معتدل‌تر در سیاستهای خود در قبال

ارمنستان استقبال کرده است. ترکیه به علت حمایت ارمنستان از جدایی طلبان قره‌باغ از برقراری روابط دیپلمات با این کشور خودداری کرد. علت دیگر این امر آن است که دولت ارمنستان مرزهای خود را با ترکیه به رسمیت نشناخت، و در نتیجه احتمال ادعای سرزمینی ارمنستان نسبت به مالکیت کارز<sup>(۱)</sup> و سایر مناطق شمال شرق ترکیه در آینده وجود دارد. ترکیه نیز ادعا دارد که ارمنستان از شورشیان حزب کارگران کردستان در انجام اقدامات تروریستی از سمت سرزمین ارمنستان پشتیبانی کرده است. با وجود این، آنکارا و دولت میانه‌رو بطروسیان، تلاش کردند تا روابط دو جانبه مثبتی برقرار کنند. از این رو، ترکیه در موقعیتهای مختلف، مرز خود را بروی ارمنستان گشود، و اجازه داد کمکهای بشردوستانه وارد این سرزمین شود. برای مثال، در نوامبر ۱۹۹۲، در حالی که ارمنستان با کمبود شدید انرژی روبرو بود و در نتیجه هزاران نفر با خطر سرما در زمستان روبرو بودند، ترکیه با ارمنستان قراردادی امضا کرد که به موجب آن متعهد شد ۳۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق به ارمنستان انتقال دهد. این معامله بعدها از سوی مخالفان و باکو شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت و در ژانویه ۱۹۹۳، قبل از آن که به مرحله اجرا درآید، از سوی ترکیه فسخ شد.

دولت ایلچی بیک که به طور علنی از ترکیه حمایت می‌کرد، در ژوئن ۱۹۹۳ در جریان یک کودتا سقوط کرد. هر چند این کودتا توسط سرهنگ صورت حسین‌اف هماهنگی شده بود، اما حیدر علی‌اف رهبر آذربایجان در زمان برژنف به قدرت رسید. این رویداد برای ترکیه یک باخت، و برای روسیه یک برد تلقی گردید. در حقیقت، صاحب‌نظران در ترکیه و غرب این تغییر قدرت را ناتوانی ترکیه در حفظ یک رژیم دوست، و حفظ موقعیت خود در آذربایجان تلقی می‌کردند. در ترکیه صاحب‌نظران ادعا می‌کردند که سقوط ایلچی بیک به معنای پایان الگوی ترکیه در منطقه است. در آغاز، تعویض ایلچی بیک و جایگزین شدن علی‌اف، برای مسکو یک پیروزی قلمداد می‌شد. اما، بعدها علی‌اف نشان داد که یک بازیگر سیاسی قهار است، و طرفهای مختلف را برای سودنهایی باکو با مهارت کنترل کرد. اگر چه علی‌اف با اقدامات مختلفی چون پیوستن به جامعه کشورهای مستقل منافع در رفتار با مسکو نرمش نشان داد، اما او سرسختانه از پذیرش استقرار نیروهای روسیه در آذربایجان خودداری کرد. اما در مورد ترکیه، روشن است که برخلاف ایلچی بیک که اولویت بالایی برای ترکیه در نظر می‌گرفت، حیدر علی‌اف هر جا که منافعش ایجاب کند، با کارت ترکیه بازی می‌کند، و هر زمان هم که لازم باشد به آنکارا پشت می‌کند. برای مثال در سپتامبر ۱۹۹۳، او بسیاری از موافقتنامه‌های منعقد شده بین دولت ایلچی بیک و ترکیه را لغو کرد، به اتباع ترکیه دستور داد قبل از وارد شدن به آذربایجان روادید خود را تهیه کنند، و ۱/۶۰۰ کارشناس نظامی ترکیه که در

کشور خدمت می‌کردند را از کار برکنار کرد. تنها یک سال بعد، حیدر علی‌اف تلاش کرد توجه آنکارا را به خود جلب کند و اعلام کرد که به "برادری" بین دو کشور اطمینان دارد. علاوه بر این، حیدر علی‌اف تلاش کرد روابط آذربایجان را با جهان اسلام افزایش دهد، و به جلب توجه ایران و عربستان سعودی پرداخت، و به این وسیله می‌خواست برای خود مشروعیتی اسلامی دست‌وپا کند. از این رو، مسلماً برای ترکیه، روی کار آمدن حیدر علی‌اف به معنای روی کار آمدن رژیم نسبتاً غیرقابل اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی بود.

روی هم رفته، مزیت یک راه حل مسالمت‌آمیز با میانجی‌گری ترکیه این بود که ترکیه به مدلی برای آذربایجان پس از جنگ تبدیل می‌شد، و نفت و گاز آسیای مرکزی و آذربایجان را بی‌وقفه به بازار عرضه می‌کرد. در سال ۱۹۹۲ ترکیه پیشنهاد کرد که برای تحقق اهداف فوق، اتحادی سرزمینی به عنوان بخشی از راه‌حل صلح تشکیل گردد. در این طرح، ترکیه خواستار آتش‌بس و تشکیل فوری یک دولت صرفاً ارمنی از سرزمین ارمنستان و ناگورنو-قره‌باغ، و یک دولت اسلامی و ترکی در آذربایجان گردید، و درخواست کرد منطقه نخجوان که از آذربایجان جدا شده‌است به دولت مسلمان آذربایجان متصل باشد. طبیعتاً، این تبادل سرزمینی امکان احداث یک خط لوله را که با اهداف ترکیه مطابقت داشت، فراهم می‌کرد. براساس این طرح، آذربایجان دست نخورده باقی می‌ماند، اما آذربایجان و ارمنستان به ترکیه وابسته می‌شدند، ترکیه نیز به خط لوله مورد نظر خود دست می‌یافت. به موجب این طرح، ایران و روسیه از مسیرهای انرژی، و روسیه از ماوراء قفقاز جدا می‌شدند، زیرا نفت و گاز آسیای مرکزی مستقیماً وارد ترکیه و اروپا می‌شد، و ترکیه را به بازیگری مهم در بازی انرژی مبدل می‌ساخت. از آنجا که انرژی منبع اصلی ارزش خارجی این منطقه است، در نتیجه این طرح از این رو، ترکیه می‌تواند آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز را به سمت انسجام اقتصادی و حتی اتحاد سوق دهد. حمایت ترکیه از این راه حل و پیامدهای بالقوه آن، موجب شد تا ایران و روسیه با تلاشهای ترکیه برای کنترل بر منابع انرژی منطقه و اقتصاد آن مقابله کنند. برای مثال ایران در موقعیتهای مختلف، کامیونهای ترانزیت ترکیه را در بزرگراههای خود متوقف کرده و مانع از تجارت زمینی با آذربایجان و آسیای مرکزی شده‌است. این مسئله، ترکیه را به مقابله به مثل در برابر اقدامات دیکته شده سیاسی (به تعبیر خود) واداشته است. این گونه اقدامات بیانگر ارزشی است که بازیگران منطقه‌ای رقیب برای روابط اقتصادی در جمهوریهای شوروی سابق قائل هستند.

استفاده از توان بالای انرژی منطقه به شیوه‌ای که نیاز تمامی کشورهای منطقه تأمین شود، و دستیابی به بازارهای بین‌المللی امکان‌پذیر گردد، موضوع بسیار مهمی است که به برقراری

روابط پایدار می‌انجامد. محدودیتهای اقتصادی ترکیه موفقیت این اقدام را ابهام‌آمیز کرده‌است، اما عدم توانایی این کشور در کنترل حوادث پیرامون ناگورنو - قره‌باغ، برقراری روابط ثابت با باکو، اعتبار استراتژیک ترکیه به عنوان یک الگوی و رهبر را مورد تردید قرار می‌دهد.

### **عمل‌گرایی و خویش‌داری: سیاست ترکیه در قبال ماوراء قفقاز در گذر زمان**

در ابتدا مناقشه ناگورنو - قره‌باغ، معاملات سیاست‌گذاران ترکیه را درباره تواناییهای کشور در ارتباط با روابط با همتایان ترک زبان در منطقه جنوبی برهم زد. عوامل داخلی - از جمله تغییرات در حکومتها - و یک محیط منطقه‌ای پیچیده برای تدوین سیاست خارجی، ترکیه را از ادامه یک سیاست فعال در منطقه بازداشت. با توجه به شرایط دشواری که ترکیه با آن روبرو بود، این کشور روابط خود را با تمامی قدرتهای مربوطه ادامه داد، و از به خطر انداختن موقعیت خود در شرایطی که به ضرر کشور بود خودداری کرد. هزینه‌ای که ترکیه باید برای این کار می‌پرداخت عبارت بود از نارضایتی مردم در آذربایجان و از دست دادن اعتبار در جمهوریهای مسلمان نشین اتحاد شوروی سابق، که در هر صورت تمایل نداشتند قیمومت مسکو را با قیمومت آنکارا مبادله کنند.

علی‌رغم شعارهای ابتدای دهه ۱۹۹۰، ترکیه بلافاصله بر توهماتش در مورد قدرت و توان خود قائل شد. اگر چه در بلند مدت ترکیه قصد ندارد روابط خود را با جمهوریهای منطقه جنوبی گسترش دهد، اما ترکیه، رؤیای جانشینی روسیه و کسب برتری در منطقه را در سر ندارد. به عبارت دقیق‌تر، علاقه ترکیه در حال حاضر به گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی، و علمی با دولتهای ماوراء قفقاز است. از این رو، اگر چه ترکیه موقتاً توانایی خود را برای نفوذ در منطقه جنوبی نشان نداده است، اما هنوز در منطقه نقشی محوری دارد و حلقه‌ای ارتباطی بین این کشورها و غرب است، و الگوی توسعه برای این کشورها به شمار می‌آید. همزمان ترکیه نشان داد که حداقل روابط مؤثر خود را با فدراسیون روسیه که برای آینده قابل پیش‌بینی به عنوان یک عامل منطقه‌ای ضروری باقی خواهد ماند، ادامه خواهد داد. روند توسعه روابط آنکارا با گرجستان کند بوده است. اگر چه آنکارا توانست شواردنازده را برای حمایت از خط لوله نفتی باکو - سوپسا - جیحان، به منظور انتقال سریع نفت آذربایجان به ترکیه قانع کند، اما وابستگی تغلیس به کمکهای اقتصادی و نظامی مسکو، همکاری گرجستان با ترکیه را محدود کرد. اما، ترکیه اخیراً پیشنهاد همکاری نظامی با گرجستان را مطرح کرده‌است. بعضی از تحلیلگران اعتقاد دارند که حضور نظامی ترکیه در قفقاز که به ناتو تعلق دارد، در آینده غیر ممکن نیست. تصور بر این است که روسیه براساس توافقنامه‌ای که پاییز سال گذشته امضاء شد، دارای سه پایگاه نظامی در گرجستان است، اما

ادوارد شواردنازده رئیس جمهوری گرجستان اعلام کرده است که تا زمانی که مسکو به بازگرداندن منطقه تجزیه شده آبخازیا به گرجستان کمک نکند، پارلمان توافقنامه فوق را تصویب نخواهد کرد. و احتمال موافقت دولت روسیه بسیار ضعیف است. مقامات ارشد نیروهای مسلح ترکیه یک موافقتنامه همکاری پنج ساله با گرجستان امضا کرده‌اند.

براساس این موافقتنامه، افسران گرجستان در ترکیه آموزش می‌بینند و کمک مالی برای کمک به برنامه نوین سازی ارتش تفلیس اختصاص خواهد یافت. با وجود این حضور مسکو در گرجستان مثلاً در ارتباط با دخالت در منازعات استیای جنوبی و ابخارستان، می‌تواند روابط در حال توسعه ترکیه - گرجستان را با مشکل روبرو کند.

علی‌رغم آن که ایروان و آنکارا دریافته‌اند که عادی سازی روابط، منافع ملی آنها را تأمین خواهد کرد، اما آنها نتوانسته‌اند به این هدف دست یابند. ادامه اختلافات ناگورنو - قره‌باغ آنکارا را از توسعه روابط با ایروان باز می‌دارد، البته نه به علت مخالفت مردم ترکیه با توسعه روابط با ایروان، بلکه به این علت که دولت ترکیه می‌داند که تقویت روابط با ارمنستان، روابط با باکو را تیره کرده، و به طور بالقوه اعتبار دولت ترکیه را نزد افکار عمومی ترکیه کاهش خواهد داد.

علاوه بر این، خصومت آذربایجان - ارمنستان منجر به کنار گذاشتن بهترین مسیر خط لوله باکو - ارمنستان - جیحان برای صدور نفت آذربایجان شده است. این مسئله می‌توانست وابستگی ایروان و باکو به مسکو را به طور چشمگیری کاهش داده و در برقراری روابط بهتر بین سه کشور همسایه نقش بسزایی داشته باشد. ادامه اختلاف قره‌باغ نه فقط مانع از چنین رویدادی شده است، بلکه حتی ایروان را وادار به درخواست بازگشت نیروهای نظامی روسیه، بیشتر برای حفاظت از مرز ترکیه کرده است.

اخیراً، احد اندیکان وزیر خارجه ترکیه، اولویت‌های دولت ترکیه در خصوص دولتهای جانشین شوروی را چنین بیان کرد: اولویت اول، تقویت استقلال این کشورها به طوری که بتوانند «روی پای خود بایستند» و اولویت دوم، توسعه «روابط بر مبنای برابری»، و کنار گذاشتن رویکرد «احساساتی» اوایل دهه ۱۹۹۰. حال که ترکیه زنگار سیاست مبهم پان ترکیزم، در قبال منطقه جنوبی که انگیزه‌های اقتصادی را پوشانده بود، زدوده است، شاید در موقعیتی بهتر قرار گرفته و بتواند در این منطقه پیچیده، واکنشی مثبت و مؤثر از خود نشان دهد.

- 1- ***Turkey and the World : 2021-2020***, press release, Ministry of foreign Affairs, Republic of Turkey, foreword.
- 2- Graham E. Fuller, Ian O. Lesser, and Paul B. Henze, ***Turkey's New Geopolitics*** (Boulder, Colo.: Westview Press, 1993)
- 3- ***Turkey and the World : 2010-2020***, press release, Ministry of Foreign Affairs, Republic of Turkey, foreword, by Ismail Cem, Foreign Minister (1998). Hugh Pope, ***Independent*** June 1, 1992.
- 4- Bruce Pannier, "Turkey and Iran in Former Soviet Central Asia and Azerbaijan : The Battle for Influence that Never Happened", (Parts 1 & 2) in ***Perspectives on Central Asia***, 2: 14 (May 1998); Published by the Center for Political and Strategic Studies.
- 5- R. Nation, "The Turkic and Other Muslim Peoples of Central Asia, the Caucasus, and the Balkans", in V. Mastny and R. Nation, eds., ***Turkey between East and West : New Challenges for a Rising Regional Power*** (Boulder, Colo. : Westview Press, 1998), pp.97-112.
- 6- Shireen T. Hunter, ***The Transcaucasus in Transition : Nation-Building and Conflict*** (Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 1994), pp. 161-70; and Suha Bolukbasi, "Ankara's Baku-Centered Transcaucasia Policy : Has It Failed?" ***The Middle East Journal*** 51: 1, (Winter 1997).
- 7- D. Sezer, "Turkey in the New Security Environment in the Balkan and Black sea Region", in V. Mastny and R. Nation, eds., ***Turkey Between East and West : New Challenges for a Rising Regional Power*** (Boulder, Colo.: Westview Press, 1996), pp.72-73.
- 8- Bolukbasi (1997).
- 9- Stephen Kinzer, "A Perilous New Contest for the Next Oil Prize", ***New York Times***, September 21, 1997, and Rosemarie Forsythe, ***The Politics of Oil in the caucasus and Central Asia : Prospects for Oil Exploitation and Export in the***

- Caspian Basin* (Oxford: Oxford University Press, 1996).
- 10- Shireen T. Hunter, *Central Asia Since Independence* (Westport: Praeger Press, 1996), p.138, and I. Tiouline, "Russian Diplomacy : The Problem of Transition", in Mehdi Mozaffari, ed., *Security Politics in the Commonwealth of Independent States : The Southern Belt* (New York: St. Martin's Press, 1997), pp.35-53.
- 11- Levon Chorbajian, *The Caucasian Knot : The History and Geopolitics of Nagorno-Karabakh* (New York : Zed Books, 1996).
- 12- Emil Danielyan, "Armenia : Government to Raise Genocide Issue With Turkey", *RFE/RL*, June 4, 1998, and Richard Hovanissian, *The Republic of Armenia: Between Crescent and Sickle : Partition and Sovietization* (Berkeley: University of California Press, 1996).
- 13- Floriana Fossato, "Moscow Starts Delivery of S-300 Missiles to Armenia", *RFE/RL*, February 18, 1999.
- 14- Jolyon Naegele "Turkey : Foreign Relations Good With Two of Eight Neighbors," *RFE/EL*, August 13, 1998.
- 15- John F. Wright, "The Geopolitics of Georgia", in J. Wright, S. Goldenberg, R. Schofield, eds., *Transcaucasian Boundaries* (London: University College of London Press, 1996), pp.138-140.
- 16- Ibid.
- 17- Ghia Nodia, "A New Cycle of Insecurity in Georgia: New Troubles and Old Problems", Chapter 10 of This Volume, P.188.
- 18- Liz Fuller, "Georgia /Turkey : Agreements Secure Bilateral Trade and Defense", *REF/RL*, March 10, 1999.
- 19- Author's interviews, Georgian Ministry of Foreign Affairs, Tbilisi, August 1998.
- 20- Jacob M. Landau, *Pan-Turkism : From Irredentism to Cooperation* (London : Hurst, 1995).
- 21- Yuri Fyodorov, *Russia, the Caucasus, and Central Asia : The 21th Century Security Environment* (New York : M.E. Sharpe, 1999), and Paul Goble,

- "Turkey : Analysis From Washington : Ankara Resists Russian Pressure", *REF/RL*, May 15, 1998.
- 22- R. Nation, "The Turkic and Other Muslim Peoples of Central Asia, the Caucasus, and the Balkans", in V.Mastny and R. Nation, eds., *Turkey between East and West : New Challenges for a Rising Regional Power* (Boulder, Colo. : Westview Press, 1998), pp.97-112.
- 23- Dugyu Sezer, "Turkey's Political and Security Interests in the New Geostrategic Environment of the Expanded Middle East", Henry L. Stimson Center, Occasional Paper no. 19 (July 1994). p.25.
- 24- "Paper Reports Inflation, Price Hikes", *FBIS* -WEU-93-092, May 14, 1993; "Treasury Said Facing `Very Difficult Situation'", *FBIS* -WEU-92-094, 1992; Chris Hedges, "Turkey Off Balance as Death Ends a Long Rivalry", *New York Times*, May 20, 1993; John Murray Brown, "Economic Woes Mount for Ciller", *Financial Times*, August 6, 1993; Jonathan C. Randal, "Turks Rethinking Regional Roles", *Washington Post*, February 24, 1993.
- 25- Source : *Economist Intelligence Unit Report*, Turkey, 1<sup>st</sup> Quarter 1999.
- 26- "Turkey Pushes for Lifting of Iraqi Oil Embargo", *The Economist*, January 16, 1999.
- 27- Ian O. Lesser, "Bridge or Barrier? Turkey and West After the Cold War", Graham E. Fuller and Ian O. Lesser, eds., *Turkey's New Geopolitics: From the Balkans to Western China* (Boulder, Colo. : Westview Press, 1993), pp.119-20; Robert Block, "NATO Adds Fuel to Balkan Arms Race", *The Independent*, London, July 21, 1993, p.10; "Defense Industry Expands to Meet Risk of Threats", *FBIS* -WEU-93-055, March 24, 1993; and Mohammed Ziarati, "Turkish Security Policy After the Cold War", *Middle East International*, February 5, 1993, p.19.
- 28- Lale Sariibrahimoglu, "Turkey : Arming for Peace", *Jane's Defence Weekly* August 19, 1998; Sitki Egeli, "Turks Fear Ballistic Menace", *Defense News*, May 31, 1993, p.19; "Missile Defense System Sought : Patriot System Faulted", *Defense News*, May 21, 1993, p.71.
- 29- Malik Mufti, "Daring and Caution in Turkish Foreign Policy", *Middle East*



- Journal* (Winter 1998), pp.32-50.
- 30- William Hale, *Turkish Politics and the Military* (New York : Routledge, 1994).
- 31- Yury Chubchenko, "Caspian Oil Divided in Istanbul", *Current Digest of the Post-Soviet Press*, April 1998, pp.23-24; and Patrick Crow, "Caspian Realities", *The Oil and Gas Journal*, November 2, 1998, pp.43-49.
- 32- *Nagorno-Karabakh : White Paper* (Yerevan : Armenian Center for International and National Studies, 1997). The author would also like to acknowledge Mkrtich Zardarian and Alexander Grigorian for their ideas on this issue (Yerevan, 1998). See also, Susan Ellingwood, "At the Crossroads : Nagorno-Karabakh", in *Breaking the Cycle : A Framework for Intervention*, Roderick Von Lipsey, ed. (New York : St. Martin's Press, 1997).
- 33- Svante Cornell, "Turkey and the Conflict in Nagorno-Karabakh : A Delicate Balance", *Middle Eastern Studies* (January 1998), pp.51-72.
- 34- *Ibid.*
- 35- Jolyon Naegele, "Caucasus : Burden of History Blocks Turkish-Armenian Border", *REF/RL*, July 28, 1998.
- 36- Elizabeth Fuller, "Nagorno-Karabakh : Can Turkey Remain Neutral? *REF/RL Research Report*, April 3, 1992, pp.36-38; and Dmitriy Kulik, "Türkes' Expansionist Pan-Turkic Aspirations Scored-Look Who's Come to Us : Grey Wolves' Dream of Expanding Turkey From China to the Balkans", *FBIS - SOV-97-15*, January 15, 1997, *Komsomolskaya Pravda*.
- 37- Andrew Mango, "Testing Time in Turkey", *The Washington Quarterly*, (Winter 1997), p.3.
- 38- Anna Saghabalian, "Oskanian Sea `Serious Threat' From Turkey, Azerbaijan", *REF/RL Armenian Report*, August 29, 1998.
- 39- Michael Gunter, "The Armenian Terrorist Campaign Against Turkey", *Orbis* (Summer 1993).
- 40- "Armenian President Announced His Resignation", *REF/RL Armenia Report*, February 3, 1998.

- 41- Lowell Bezanis, "Turkey Offer to Help Armenia", *OMRI Daily Digest*, April 1, 1996, and *Turkish Daily News*, May 29, 1996.
- 42- Sulejman Alijarly, "The Republic of Azerbaijan :Notes on the State Borders in the Past and in the Present", in Wright, et al., eds., *Op.Cit.*, pp.130-32. Also, Shireen Hunter notes : "When Russia made a bid to reestablish itself in Azerbaijan, by among other things toppling the Pro-Turkish government of Eluibey, and despite the embarrassment that this caused Turkey, the West essentially accepted the Russian *fait accompli*", (1994, 160).
- 43- Lowell Bezanis, "Azerbaijan between Russia, Turkey", *OMRI Daily Digest*, June 12, 1996.
- 44- Stephen Kinzer, "Azerbaijan Asks the U.S. to Establish Military Base", *New York Times*, January 31, 1999.
- 45- Amberin Zaman, "Azerbaijan Looks to Ankara", *Middle East* (July 1992), pp.8-9.
- 46- Thomas Goltz, *Azerbaijan Diary : A Rogue Reporter's Adventures in an Oil-Rich, Wat-Torn, Post-Soviet Republic* (New York : Sharpe, Inc., 1998), and author's interview (Athens, October 1998).
- 47- "Nagorno-Karabakh Plan Proposed", *FBIS* -WEU-92-059, March 26, 1992; "Lachin Corridor Territorial Redistribution Plan Outlined", *FBIS*-USR-92-109, August 28, 1992; "Cetin Said to Propose `Exchange'", *FBIS* -WEU-93-066, April 8, 1993; Paul A. Goble, "Coping With the Nagorno-Karabakh Crisis", *Fletcher Forum of World Affairs*, Summer 1992, pp.19-26.
- 48- Raymond Bonner, "War in Caucasus Shows Ethnic Hate's Front Line", *New York Times*, August 2, 1993.
- 49- "Security Crisis With Iran Affects Economic Ties", *FBIS* -WEU-93-150, August 6, 1995.
- 50- Svante Cornell, "Turkey and the Conflict in Nagorno-Karabakh : A Delicate Balance", *Middle Eastern Studies* (January 1998), pp.51-72.
- 51- Jolyon Naegele, "Turkey : Foreign Policy Plan Aims For Pivotal Role in Eurasia", *REF/RL*, August 13, 1998.
- 52- "Georgia, Turkey Sign Accord", *Jane's Defense Weekly*, March 16, 1999; and

- Steven Shabad, "The Caucasus : Turkish Inroads", *WorldPressReview* (March 1996).
- 53- Sean Boyne, "New Russian Accord Causes Concern in Turkey", *Jane's IntelligenceReview*, August 1, 1996, p.5.
- 54- Elizabeth Fuller, "Turkey : A Diplomatic Return to the Caucasus and Central Asia", *REF/RL*, September 8, 1997.